

خود، شروع می‌شود قسمتی نظاره روشن^۱ است و به ما درک^۲ بحثی و منطقی یک چیز نیست و چنانکه در گفتار اجر رهروی دیده شد رهرو پس از گذراندن مقامات متعدد، به شناسائی حقیقت عالی رنج می‌رسد و از این رو، شناسائی در نظر بودا، شناسائی حقیقت عالی رنج است و برتر از آن شناسائی نیست.

۷ - جهان‌بینی الهی و عرفان اسلامی در روان‌درمانی

پرسشهای بنیادی

انقلاب اسلامی و دیدگاه الهی و عرفانی آن روانشناسی و روان‌درمانی را در برابر پرسشهایی قرار می‌دهد که توجه به آنها وظیفه‌ایست برای تمام آنهایی که به جهان‌بینی الهی و الهی بودن انسان باور دارند و در حد یک روان‌درمان می‌بایست این دیدگاه را به محک آزمایش گذارند: با نظریه الهی بودن جهان و انسان در نگارش تاریخ روان‌درمانی خود را با پرسشهای زیر روبرو می‌بینیم:

- جهان‌بینی الهی به انسان چگونه می‌نگرد، بودن و شدن او را چگونه توجیه می‌کند؟
- در جهان‌بینی الهی موضع و روش کار روان‌درمان چیست و چگونه است؟
- مفاهیم بنیادی در جهان‌بینی الهی برای تعهد و تخصص روان‌درمان چیست و در ارتباط با نظام الهی چگونه نشانه‌یابی و شناسائی می‌شود؟

جهان‌بینی الهی

الله:

"بودن" مطلق و یگانه است.^۳ این یگانه آفریننده و آگاه است. در آغاز او "هو" آفریننده و آگاه بوده است. همه هستی‌ها از "او" آغاز شد و به او بازگشت می‌کند. هستی‌ها از او هست شد و "شدن" کن فیکون است. "کن فیکون" سعی خدائی است که در آن آفریننده آفریده،

^۱ Abbina

^۲ Tarka

آفریدن و آگاهی یکی و همانست. "کن فیکون" جریان بودن به هستی و هست شدن از بودن است. خدا هستی را از خود آفریده و در آن "تجلی" دارد و هستی‌ها در خدا جلوه می‌کند. "تجلی" نمود خدا در هستی‌هاست و "جلوه" نمود هستی در خداست با اینها است که سخن حافظ مفهوم می‌شود، می‌گوید

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد
عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
"جلوه‌ای" کرد رخس دید ملک عشق نداشت
عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد
جهان:

جهان جریانی پویا و در "سیر و سلوک" است: سیر "شدن" از "بودن" و سلوک "شدن" به "بودن" است. سیر کن فیکون بودن به هستی است و سلوک کن فیکون هستی به بودن است. هستی‌ها از خدا به همه جهان سیر می‌کنند و از جهان به سوی خدا در سلوکند. جهان تجلی خدا در هستی‌هاست و جلوه هستی‌ها در خداست. هر چه هست خدائی است.
انسان:

از خدا "بودن" و به خدا "برگشتن"^۱ یک جهان‌بینی است. این "بودن" چیست؟ و این برگشتن چگونه است؟ آنچه می‌توان گفت "بودن" یگانه است^۲ و برگشتن، برگشت به "یگانگی" است. "ما" از یگانگی هست شده‌ایم و به همان یگانگی بازگشت می‌کنیم. این "یگانه" آفریننده است^۳ او مارا از فطرت خود آفریده است^۴ پس بودن ما در یگانگی او بودن آفریننده است.

در یگانگی "آفریدن ما" و "شدن ما" یکی و همانست. به ما روح الهی (امکان آفرینندگی) میدند^۵ و آگاهی الهی دادند^۶. خالق بودیم، مخلوق شدیم و اکنون هر دو هستیم. "ما" با سعی خود "انسان" می‌شویم^۷: آفرینندگی، آفریدگی (خالقیت و مخلوقیت) روح الهی (امکان

^۱ انالله و انا لله راجعون

^۲ قل هو الله احد

^۳ فاطر السموات الارض

^۴ فطره الله التي فطر الناس عليها

^۵ و نفتح فيه من روجي

^۶ و علم آدم الاسماء كلها

^۷ نيس للانسان الا ما سعي

آفرینندگی) و "آگاهی الهی" در سعی‌های ما یکباره تجلی می‌کند. "سعی" بنیادی‌ترین نمود بودن و تلاش برای انسان شدن است.

سیر و سلوک جریانی است که انسان از الله آغاز و به الله بازگشت می‌نماید. بازگشت به الله با الفاظ معاد، وصول الی‌الله، لقاء الله و فنا فی الله ... تبیین شده است. فرآیندی که ما را برای بازگشت به اصل الهی‌مان یاری می‌دهد متکی بر فطرت الهی ماست.

هدایت و غایت زندگانی ایجاب می‌کند که فطرت سالم و درست کار کند. از کارکرد آنهاست که تار و پود هستی آدمی رشته می‌شود: انسان الهی نخست به خودسازی و آفرینندگی خویشتن می‌پردازد و هستی خود را تحقق می‌بخشد. سپس به تأثیر، تحقیق، ابتکار، کشف و شهود در غیر خود می‌پردازد.

شناخت همان فطرت است و فطرت شناخت خویشتن است و شناخت خویشتن شناخت خداست.^۱ همانگونه که فراموشی خدا فراموشی خود اوست.^۲

فطرت:

در جهان‌بینی الهی، فطرت انسان از الله است. درچنین فطرتی سه داده^۳ پذیرفتنی است و هر داده نحوه‌ای از "بودن فطرت" است: نخستین داده آفرینندگی (خالقیت) است، آفریننده بودن از فطرت الهی است و چنین "بودنی" خلاق، فعال، تغییردهنده و کن فیکون کننده است. دومین داده "آفریده شدن" "مخلوقیت" است که شدن و هستی انسان است، در این حال فطرت فعل‌پذیر و کن فیکون شونده ... است. سومین داده آگاهی است که شهود بی‌واسطه فطرت از خود و غیر خود است.

آفرینندگی:

فطرت آفریدن است: فطرت انسان از فطرت آفریننده آفریده شده است، آفرینندگی با آن عجین است: آفریدگار با هر آفرینش در آفریده خود تجلی می‌کند. "تجلی" نمود خدا در هستی آدمی است انسان نیز چنین است، هر سعی، آفرینشی است که آدمی در آن جلوه می‌کند

^۱ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ

^۲ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ (سوره حشر آیه ۱۹)

^۳ داده را معادل Donne به کار می‌بریم ذاتی فطرت و عین آن است در تعبیر دیگر، هر داده نحوه‌ای از بودن فطرت است.

"جلوه" نمود هستی آدمی در خداست. جلوه‌های سعی، جلوه‌های آفرینندگی است که نموده‌های خدائی فطرت است.

سعی:

بنیادی‌ترین و نخستین نمودی است که فطرت بروز می‌دهد: واحد سازنده هستی است که از بودن "یگانه" ناشی می‌شود. آدمی با سعی خود، در سیر و سلوک بسوی خدا خویشتر را می‌سازد تا به خدا می‌رسد و در آنجا است که آنچه را ساخته است عرضه می‌کند و جزا می‌بیند.^۱

اگر هر چه را که از نخستین واحد هستی از آدمی سر می‌زند جلوه‌ای از نمود سعی بدانیم فرآیندهای سعی را می‌توانیم با توجه به آگاهی الهی که بر شهاده^۲ و غیب است به دو گونه برونی و درونی تقسیم کنیم و در نمودار زیر نمایش دهیم.

سعی

نمود خدائی فطرت

برونی ----- جنبش‌ها ----- تلاشها ----- جوششها ----- شهاده

آگاهی الهی

سعی الهی

درونی ----- تأثرات ----- رویاها ----- هیجانها ----- غیب

آفرینندگی

فرآیند خدائی فطرت

نموده‌های برونی:

"تلاش"ها تجلی و جلوه‌های سعی است در عالم شهادت. آگاهی به آنها با "مشاهده" است مشاهده و شهادت با کار و واسطه حواس است^۳ و آگاهی برای هر حس ذاتی اوست تجلی‌های خدائی و جلوه‌های هستی که در مشاهده حواس می‌آیند، همزمان با آگاهی است و

^۱ و ان لیس للانسان الا ما سعی سوف یرى ثم یجزیه الجزا الآونی وان الاربک المنتهی (سوره النجم آیه ۴۰-۴۴) و من اراد الاخره سعی لها سعیها و هو مومن فاولئک کان سعیهم مشکورا (سوره الاسرا آیه ۲۰)
^۲ عالم الغیب و الشهاده (سوره حشر آیه ۲۲) شهد الله انه لاله الا هو و الملائکه و اولوالعلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكیم (سوره ال عمران آیه ۱۶)

^۳ و ما کنتم تستترون ان یشهد علیکم سمعکم و لا ابصارکم و لا جلودکم ولكن ظننتم ان الله لا یعلم کثیرا مما تعملون (سوره فصلت آیه ۲۱)

با آن یکی و همانند است. تجلی‌ها و جلوه‌های سعی برونی در جنبش و جوشش تلاشها مشاهده شدنی است:

- جنبشها: حرکات، تغییرات، جابجا شدن‌ها، کم و زیاد گردیدن‌ها... است اینها جلوه یا نمود عالم شهادت است در خدا.

- جوشش‌ها: شدت و ضعف، تندی و کندی، انبساط و انقباض، تنش‌ها... است و این‌ها تجلی یا نمود خدا در هستی و عالم شهادت است.

نمودهای درونی:

تجلی‌ها و جلوه‌های سعی درونی در تأثرات و هیجانهای رویا به آگاهی عرضه می‌شود:

- تأثرات: نمودهای درونی جنبش‌ها است

- هیجانها^۳: نمودهای درونی جوشش‌ها است

تجلی خدا در هستی و جلوه هستی در خدا آهنگی الهی است که از فطرت و سعی آدمی در سیر و سلوک او بسوی خدا برمی‌خیزد: این آهنگ بودن به هستی است و هست شدن از بودن است، این آهنگ آفرینش است. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

آفریدگی:

خداوند فطرت ما را خلق کرده است^۱ انسان آفریده از فطرت الهی است، در این آفریدگی، تبدیل شدن، تأثیر پذیر و تغییر یابنده است^۲. برای تبدیلات و تغییرات آدمی نیز آئین و رهنمودهای خود را داده است: دین خدا متناسب با آفریدگی خدائی انسان است و انسان آنطور خلق آفریده شده است که فرآیندهای تغییر و تبدیل در آن با فرآیندهائی که لازمه یقین به اصول دین و عمل به احکام و عبادات است یکسان و همانند است. اسلام دین الهی است: اصول و احکام و عبادات آن منطبق بر فطرت الهی انسان است^۳ در جهان‌بینی الهی و عرفانی

^۱ جنبش معادل Motricite

^۲ جوشش معادل Emotivite

^۳ یا اهل الكتاب قدحاکم رسولنا بین لکم علی فتره من الرمل تقولوا ما جاتنا من بشیر و لاندیر فقدحاکم بشیر نذیر و الله علی کل شیء قدير (سوره مائده آیه ۲۲) و انه هو اصحک و ابکی (سوره النجم آیه ۴۵)

^۴ اولم یروا کیف یددی الله الخلق ثم یعبده ان ذلك علی الله یسیر (سوره عنکبوت آیه ۱۹)

^۵ وَاذا اشنا بدلنا امثالهم تبدیل. ان هذه تذکره فمن شاء اتخدا لی ربه سبیلاً (سوره دهر آیه ۲۸ و ۲۹)

^۶ ان الدین عندالله الاسلام (ال عمران آیه ۱۸)

اسلام، خلق و خالق سعی و سعی، علم و عالم یکی و همان است. تنها جلوه‌ها، تجلیات، نمودها و گوناگونه شدن‌هاست که تفاوت‌زا است.

پذیرفتن دین، یقین و عمل به اصول و احکام آن همان روال فطری سعی و آفرینندگی است. ولی قالبها و اعتبارهای تازه‌ای گرفته‌اند:

سعی که بنیادی‌ترین نمود فطرت است اگر در فرآیندهای اصول و احکام دین دیده شود عمل است^۱ و اعمال وقتی معرف اصول و احکام دین باشند تعهد دارند. تعهد عملی است که همراه اصول و احکام دین خدا است و این همان ایمان^۲ است.

آگاهی وقتی با موضوع بی‌واسطه و یکی شود یقین^۳ است و اگر موضوع یقین تعهد باشد ایمان است. ایمان آگاهی ما بر اعمالی است که معرف اصول و احکام "دین الهی" هستند. آگاهی و عمل مومن یکی و همان است.

مومن:

مومن خدائی است که در هستی تجلی کرده و هستی است که جلوه خدائی یافته است، آیت الله است. کفر آگاهی است که خدا از آن رخ پوشیده (نه تجلی نموده و نه جلوه دارد) و این ظلمت است. ایمان آگاهی است که خدا در آن بی‌پرده تجلی و جلوه نموده و این نور است.^۴

ایمان به هر یک از احکام و اصول دین الهی در رفتار فرد ویژگی‌هایی بوجود می‌آورد که فطرت واجد است و این ویژگیها به اجمال چنین‌اند:

انسجام رفتار:

باوری به توحید و ایمان به خدا انسجام^۵، استحکام^۶، دوام^۷ و عدم تضاد^۸ در رفتار را موجب می‌شود همچنان که بی‌ایمانی تزلزل، پراکندگی، تضاد و سستی شخص را باعث

^۱ قل کل یعمل علی شاکلته فربکم اعلم بمن هوا هدی سبیلاً (سوره اسرا آیه ۸۷)

^۲ فمن یعمل من الصالحات و هو مومن فلا کفران لسمعیه و ائاله کاتبون (سوره انبیا آیه ۹۵)

^۳ کلا لو تعلمون علم البقین لترون الححیم ثم لترونها عین البقین (سوره التکویر آیه ۸ و ۶)

^۴ فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا و الله بما تعملون خبیر (سوره تقان آیه ۹)

^۵ Consistence, Coherence, Cohesion

^۶ Fermete

^۷ Persistence, Permenence

^۸ Non- Contradictoire, Identique

می‌شود^۱ با هر بادی به سوئی می‌رود و با هر انگیزه کوچکی متزلزل و نگران می‌شود. یقین شخص بر فطرت خدائی و یگانگی خدا و اینکه از خداست و به خدا برمی‌گردد. لازم‌هاش فراهم و با هم شدن تمام ارزشها، عوامل و شرایط سازنده اوست: اندیشه‌ها و اعمالش پراکنده نیست و بر حسب اتفاق، بی‌رویه و غیر واقعی ظهور نمی‌کند.

"انسجام" یافتن ویژگی است که فرد بنا بر آفرینندگی و تاثیرپذیری فطرت واجد آن است و به اعتبار آن دوام، عدم تضاد و استحکام می‌یابد.

معنی و هدف:

باوری به معاد و یقین به بازگشت بسوی خدا و اینکه کارهای ما سرانجام در پیشگاه او به داوری گذاشته می‌شود لازم‌هاش آن است که برای معنی و هدف دادن به آنچه می‌کنیم آمادگی داشته باشیم. ویژگی مومن هدف داشتن و غایتی برای زندگی داشتن است^۲. با چنین ویژگی آدمی دچار دلهره، بی‌معنی و پوچ بودن زندگانی نمی‌شود: هر حرکت و عملی مقصدی دارد و حد و قلمروئی می‌شناسد.

هدفها و ارزشهای فردی وحدت دهنده و مشترک سازنده امیال و آرزوها و تلاشهای آدمیان است^۳ همه چیز و همه کس در سیر و سلوک به سوی غایت و نهایی مشترک در حرکت است و در آن حرکت وحدت دارد. با چنین ویژگی است که فطرت آدمی هدفها، اعمال، قوانین، سنت‌ها و آداب مشترک را پذیرا می‌شود.

تعادل و هماهنگی:

برقراری تعادل، هماهنگی توازن در فطرت بر عدل الهی متکی است^۴ در حال سلامت آدمی دیگران را همسان و یکسان با خود می‌نگرد و به عدالت رفتار می‌نماید^۵.

در این حال فطرت تمام نیروها، امیال و عوامل متضاد را پذیرا می‌شود و با معیارهای آئین الهی میان آنها تعادل برقرار می‌سازد^۶ هماهنگی سازگاری، میانه‌روی نموده‌هایی است که بر عدالت فطری انسان متکی است و با عدل الهی منطبق است.

^۱ فَالْهَيْكَمُ إِلَهُ وَاحِدٌ قَلَّ اسْمُهُ... (سوره حج آیه ۳۶)

^۲ ثُمَّ إِلَهِي رَبِّكُمْ مَرَجِعَكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ. اِنَّ عَلِيمٌ بِلَدَاتِ الصُّدُورِ (سوره زمر آیه ۱۰ و ۱۱)

^۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَاتَا جِئْتُمْ فَلَا تَتَّخِذُوا بِاللَّهِ وَالرُّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِاللَّهِ النَّفْوِي وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (سوره مجادله آیه ۱۱)

^۴ لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا أَلًا وَسَعْمَالَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (سوره بقره آیه ۲۸۶)

^۵ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (سوره فاطر آیه ۲۰)

جهت دارو با نظام بودن:

نبوت و آمدن پیامبران بدین معنی است که فطرت آدمی دارای ویژگیهای زیاد دادن و گرفتن امور، مامور شدن امر و نهی نمودن، سازش دادن و سازش پذیرفتن، تاثیر دادن و تاثیر پذیرفتن است.^۱

پویائی فطرت در با هم شدن آفرینندگی و آفریدگی است که در اعمال نبی عجیب شده‌اند.^۲ نظام سازی، سیستم پذیری، مکتبی شدن، به ایدئولوژیهای گوناگون پیوستن نشان فطری بودن رسالت و نبوت انسان است.^۳

نمادسازی و ایده‌ال خواهی:

انسان انتزاع کننده سبب ساز و قرار دادگذار است. با علائم نشانها و دلالت لفظی، حرکتی، ارزشی، قانونی با جهان و دیگران ارتباط برقرار می‌کند، می‌فهماند و می‌فهمد اینها از ویژگیهای فطرت الهی اوست نماد سازیهای فطرت به ایده‌ال خواهی، ایده‌ال سازی، من‌های ایده‌ال و ایده‌الهای من می‌انجامد و تا مرحله پذیرش رهبر، مرشد، پیر طریقت و فقیه در شریعت و در اوج اینها به قبول امام و اصل امامت می‌رسد.

امام مظهر زنده و واقعیت یافته ارزشهای الهی است و به همین جهت معصوم باشد.

آگاهی^۴:

فطرت خدائی و خودآگاهی است، آنچه که فطری است آگاهانه است. فرایندهای فطرت در حال سلامت بی‌واسطه دریافت می‌شوند و آدمی بر آنها آگاه است. "بودن" انسان بودن خدائی است که عین آگاهی است. خدا بر بودن و تمام هستی‌ها... آگاه است.^۵ از آنجا که فطرت انسان هم خالق است و هم مخلوق آگاهی الهی انسان دو وجه دارد. یکی آگاهی بر آفرینندگی و دیگر آگاهی بر آفریدگی فطرت است:

^۱ واقسطوا ان الله يحب المقسطین (سوره مائده آیه ۴۷)

^۲ و الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سلینا (سوره عنکبوت آیه ۷۰)

^۳ ادع الی سبیل ربک بالحقمکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن، ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و هو اعلم بالمهتدین (سوره نحل آیه ۱۲۷)

^۴ قال یا آدم اینهم باسمائهم (سوره بقره آیه ۳۲) و اذا اخذ الله میناق الثنننن لمانیتکم من کتاب و حکمه نم جائکم رسول مصدق لمانعکم لئومنن به ولتنضرنه (سوره ال عمران آیه ۷۵)

^۵ Conscience

۱- آگاهی بر آفرینندگی: این "آگاهی" با "آفرینندگی" یکی و همانست. انسان از آن جهت که خدائی است به حالات، اعمال خود و به کل زندگانی که جریانی الهی است آگاهی دارد اعمال و حالات انسان با آگاهی و آگاهی با آفرینندگی و سعی عجین است. جنبشها، جوششها، تاثرات، هیجانها با آگاهی فطری خدائی همراه است.

۲- آگاهی بر آفریدگی (مخلوقیت): آگاهی انسان بر مخلوقیت خود و جهان، آگاهی بر نظامهای اندیشه و عمل، آگاهی بر هر چه بیرون و درون ماست. در این حال به اعتبار فطرت الهی خود سمیع، بصیر و خبیر هستیم. به همانگونه که ما خلق و علم خدا هستیم، آفریده‌های مانیز خلق و علم ماست.

رواندرمانی در جهان‌بینی الهی و عرفانی

شناخت خدا و سیر و سلوک بسوی او تعهد رواندرمانی است چنین شناختی با خویش‌شناسی یکی و همانست^۱

همچنانکه فراموشی خدا فراموشی خویش‌شناسی است^۲ شناخت من از خودم شناخت من از خدا است. شناسائی و آگاهی من از خودم همان "خود خدایی" من است همان خداست، درجهان‌بینی الهی عرفانی اسلام. سرانجام سرنوشت وصول به خدا است و وصول به خدا معرفت به خداست و معرفت به خدا معرفت به خویش‌شناسی است و این تعهد بنیادی‌ترین وظیفه‌ایست که آدمی دارد. رواندرمان متعهد به چنین وظیفه‌ایست و رواندرمانی با این تعهد از پوچی، بی‌معنایی و بی‌جهت بودن رهیده است و "علم" شده است. رواندرمانی دانشی است که تعهد و جهان‌بینی آن یکی است و به اعتبار تعهد و جهان‌بینی (جهت) خود "دانشی بنیادی" و برای دانشهای دیگر است و در نظامهای اندیشه‌ای و عقیدتی "دانش پایه"^۳ است. تلاشهای رواندرمانی زیربنای شناختها و شیوه‌های شناختی و تعهدهایی است که پژوهشگران در جهان‌بینی الهی و اسلامی به عهده می‌گیرند.

تلاشهای رواندرمانی

^۱ ان الله بعباده لخبیر بصیر (سوره فاطر آیه ۲۹) و هو السميع البصیر

^۲ من عرف نفسه فقد عرف ربه

^۳ ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانساهم انفسهم (سوره حشر آیه ۲۰)

^۴ در جهان‌بینی دانشها، فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ریاضی را علوم پایه می‌دانند.

تلاشهای فطرت آنطور که برخی از آنها را برشمردیم موضوع تلاشهای رواندرمانی است پژوهش و شناخت، پیشگیری و درمان جلوه‌ها و تجلیات آن است. رواندرمان پژوهشگر "فطرت" انسان است تا او را در سیر و سلوک بسوی خدا آگاه کند و به نیازهای بنیادی الهی او پاسخ دهد: چه اعمالی، چگونه و چرا خدائی‌تر، تعهدزاتر و وصول الی الله را برای آدمی بهتر ممکن می‌سازند. نشان می‌دهد که تلاشهای فطرت "روان" چگونه رفتارها و "مهارتها" را می‌سازد؟ و چگونه در ارتباط با جامعه الهی و الله معنی، شکل، انسجام، جهت و تعادل می‌یابد: چگونه زمینه‌های گوناگون زندگانی (خانواده، مدرسه، مسجد...)، در تعالی و سیر و سلوک آدمی، مؤثر واقع می‌شود.

آسیب شناسی:

رواندرمان به نیاز انسان و جامعه‌ای پاسخ می‌دهد که از سیر و سلوک بازمانده است: فرآیندهای فطرت (روان) دچار پرشیدگی، عدم انسجام، بی‌معنایی و بی‌شکلی، عدم تعادل و بی‌جهت شده است، بررسی می‌کند که کدام شیوه، چه روشی، چگونه، با چه شرایطی... بار دیگر این رهرو گمشده را به راه می‌آورد و این کلیه احزان را گلستان^۱ می‌سازد، روشن می‌سازد که بنیاد هستی "چگونه بهم ریخته می‌شود" و مختل می‌گردد، سالم و بیمار می‌گردد؟ رواندرمان در جایی قدم می‌گذارد که "اندیشه" درمانده است، هیجانها طغیان کرده است کاسه صبر لبریز است، ترس از غیر خدا حاکم است، شادی بیش از اندازه است، ظلمت بر نور چیره گشته و کفر ایمان را پوشانده است. از خود می‌پرسد که اینجا کجاست، چگونه پیدا شده است. چه باید کرد تا "سر شوریده به سامان آید" و "امید بر یاس" چیره گردد و غم از خانه دل بیرون شود.

در تخصص رواندرمان است که انسان "درمانده از آفرینندگی" را آفرینش دوباره بخشد و روان او را آماده "آفریدن" کند.

- انسانی را که در خواب و بیداری دستخوش "کابوسها" و رویاپردازیهای عنان گسیخته شده است آرامش فطری دهد.

^۱ مفهومی که تا به حال به مهارت نسبت داده‌ایم به مفهوم ساختهای رفتاری آن طوری که ساختگرایی به آن تکیه می‌کند نزدیک است با این تفاوت که ما آگاهی الهی را با آن عین می‌دانیم.

- انسانی را که از خود، خدا و تجلیات و جلوه‌های آفریدگار "ناآگاه" گشته و پی کشف و شهود و در ظلمت فروشده، دوباره "نورانی" و "آگاه" سازد.

انسان را از شر آفریده‌های خود^۱ توهما، اندیشه‌های عنان‌گسیخته، عواطف و هیجانات اضطراب‌آلود، سخن گفتن بی‌شکل و بی‌معنی‌رهایی می‌بخشد و به خدا رهنمودش می‌کند.^۲

رواندرمانی: روان‌درمانی جریانی پویا است که روان‌درمان با توجه به پریشیدگی‌ها و ناسالمی روانی، نفسانی (روان - تن) و روابط درمان شونده می‌آفریند تا همزمان و همراه با آن او را سالم سازد.

رواندرمان: انسان متعهدیست که تخصص او آفرینش آفرینندگی، بازگرداندن آگاهی به فطرت "روانی" است که از تلاش‌های الهی بازمانده و به پریشیدگی و ناسالمی دچار شده است. این حال چنانست که می‌توان گفت روان‌درمان در سیر سلوک خود بسه مقام الهی دست یافته است و بنابر فطرت الهی خود به آفرینش می‌پردازد. آفرینش روانهائی که بار دیگر بتوانند با "سعی" خدائی به سیر و سلوک خویش ادامه دهند.

در روان‌درمانی پژوهش و درمان یکی و همانست: روان‌درمان با نخستین ارتباطی که با درمان شونده برقرار می‌کند درمان و پژوهش خود را شروع می‌کند و سرانجام، هر درمان نتیجه یک پژوهش است.

روشها و شیوه‌های روان‌درمانی را می‌توان با تکیه بر آفریننده‌های، روانی، نفسانی، تن - روان و "روابط" با جهان هستی (انسانها و غیر انسانها) تقسیم‌بندی کرد. تعیین اینکه یک روش روان‌درمانی دقیقاً در چه مرزی قرار گرفته است به همان اندازه دشوار است که بخواهیم مرز و حد اعمال روان‌درمان را در قلمرو "روان"، نفس و یا "روابط" با جهان هستی^۳ تعیین کنیم.

روشها و شیوه‌های پژوهش و کار در روان‌درمانی

^۱ قل اعوذ برب الفلق، من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب. و من شر النفاثات في العقد و من شر حاسد اذا حسد (سوره فلق)

^۲ يا ايها النفس المطمئنة. ارجعي الي ربك راضية مرضية. فادخلي في عبادي. و ادخلي جنتي (سوره الفجر آیه ۲۸ تا ۳۱)

^۳ رابطة: Relation در اینجا غیر از "ارتباط" Rapport است در جهان‌بینی الهی رابطة بیانی است از یکایکی خالق و مخلوق، سعی و ساعی، کن فیکون از بودن به هستی شدن است. بیان الهی بودن آفریده‌ها، آگاهی آفریده‌ها از جلوه الهی بودن خود است.

با توجه به این واقعیت که در روان‌درمانی روشها و یا شیوه‌های پژوهش و تلاشهای درمانی یکی و همانست در اینجا پس از تعاریفی چند بر پایه برخی از مفاهیمی که از دیدگاه الهی در انسان به آنها رسیده‌ایم، شیوه‌ها و روشهای پژوهش و کار در روان‌درمانی را تقسیم‌بندی می‌نمائیم.

پژوهش: تلاشهایی است که انسان در سیر و سلوک خود بسوی خدا برای شناخت مسائل و برآوردن نیازهای جامعه الهی انجام می‌دهد.

پژوهشگر: انسان متعددی است که در ارتباط با مجموعه‌ای از هستی‌ها و نیازهای جامعه الهی تخصص یافته و در پی شناخت هر چه بیشتر و ارائه طریق برای برآوردن آنهاست.

روشهای پژوهش: روشهای پژوهش یک دانش مجموعه "سعی" هائی است که برای شناخت موضوعهای آن دانش با توجه به جهان‌بینی و هدفهایی که پژوهشگر دارد بکار گرفته می‌شوند. آنچه که در پژوهش روندهای منطقی می‌گوئیم ساخت‌ها و یا نظامهای اعمالی است که نفس در ارتباط با هدف و جهان‌بینی الهی خود برای شناخت موضوعی انجام می‌دهد. از آنجا که روش پژوهش با "سعی" است پس "آفرینندگی" و "گاهی" با آن یکی و همانست: هیچگاه نمی‌تواند دارای ساخت یا نظام ثابت و از پیش تعیین شده‌ای باشد پژوهشگر روش پژوهش خود را با توجه به جهان‌بینی و هدفی که دارد می‌آفریند، هر لحظه پژوهش یک آفرینش است.

شیوه‌های پژوهش: سعی‌های پژوهشی بر حسب ابزار و امکانات پژوهش شکل و معنی ویژه می‌یابد در این حال شیوه‌های پژوهش پیدا می‌شوند، در جریان یک روش، شیوه‌های متعدد بکار گرفته می‌شود و آنچه را که مهارتهای پژوهشی می‌نامیم مهارت در کاربرد امکانات و ابزارهایی است که برای پژوهش انتخاب می‌شود.

روشها و شیوه‌ها

روشها و شیوه‌های پژوهشی در روان‌درمانی بر حسب موضوعها و امکاناتی که می‌تواند داشته باشد متنوع می‌شوند. فطرت (روان)، تن، نفس در جهان بینی الهی هستی‌های پویا، آگاه آفریننده است. روشها و یا شیوه‌های پژوهشی در آنها نیز چنین‌اند.

قلمرو پژوهش ما بر حسب آنکه تلاشهای روان (فطرت)، در تن و اعمال نفس باشد متفاوت می‌شوند: در اینجا به روشها و شیوه‌هایی اشاره می‌کنیم که در یک یا چند قلمرو می‌تواند نمونه باشد.

الف - روشها و شیوه‌های پژوهش در قلمرو روان:

- نقاشیهای آزاد^۱

- تحلیل خواب^۲

- روان‌کاوی

- آزمونهای برونفکنی^۳

- تداعی‌های آزاد^۴

- شیوه‌های متکی بر موسیقی^۵

- تلقین^۶

- مصاحبه^۷

- رویا در بیداری^۸

موارد فوق را از آن جهت در قلمرو روشهای پژوهشهای روانی قرار داده‌ایم که جنبه آفرینندگی آگاهی "سعی" در آنها دخالت بیشتری دارد و کار مستقیم پژوهشگر بر تائرات، هیجانها نهاده شده است.

ب - روشها و شیوه‌های پژوهش متکی بر "نقش" (همراهی تن و روان)

- بازی نقش^۹

- بازی نقش و پسیکودرام^{۱۰}

- شیوه‌های متکی بر حرکات و رقص

- هیپنوز^{۱۱}

¹ Dessin libre

² Analyse des rêves

³ Test projectifs

⁴ Associations Libre

⁵ Musicotherapie

⁶ Suggestion

⁷ Entretien

⁸ Rêves éveilles

⁹ Jeu de rôle

¹⁰ Psychodrame

¹¹ Hypnose

- آرامش دهی^۱
- بازتابهای شرطی^۲ و رفتار گرایی^۳
- شیوه‌های متکی به کار^۴
- ج - روشها و شیوه‌های متکی بر روابط انسان با جهان (انسانها و غیر انسانها)
- شرح حال نویسی^۵
- واقعه نگاری^۶
- بازی نقشهای اجتماعی^۷
- نمایشگری^۸ - پویائی گروه^۹
- شیوه‌های مددکاری اجتماعی^{۱۰}

برداشت‌ها

پس از آنکه جهان بینی الهی و نگرش آن را از انسان توضیح دادیم در تحلیلی که از فطرت و فرآیندهای آن کردیم به این نتیجه رسیدیم که در خداوند "مخلوق" (آفریده) "خلق" (آفریدن) و "علم" (آگاهی) یکی و همان است در انسان نیز فرایندهای، آفریدن، آفریده شدن و آگاهی یکی و همانست. سعی نمود خدائی و همان "کن فیکون" است: همان "شدن" است که در جریان "بودن" به "هستن" واقع می‌شود. هر "شدن" یا "کن فیکون" و یا «سعی» با همی آفریدن، آفریده شدن و آگاهی است.

فطرت و فرآیندهای آن مسائل رواندرمانی است: جنبش‌ها، جوششها، تأثرات، هیجانها، تلاشها، رویاها، آگاهی‌ها، شناخت‌ها، آفریده شدن، آفریدن (خلاقیت)، توحیدی شدن، معادی

¹ Relaxation

² Conditionement

³ Bihaviorisme

⁴ Ergotherapie

⁵ Anamnase

⁶ Sociometrie

⁷ Sociodrame

⁸ Psychodrame

⁹ Dynamique de groupe

¹⁰ Aides Sociale

شدن، عدالتی شدن، نبوتی شدن، امامتی شدن و یکباره بگوئیم خدائی شدن... تلاشهای ما را در رواندرمانی معنی، جهت، گستردگی و ژرفا می‌دهند.^۱

در خلال توضیحات خود مفاهیمی را بر پایه جهان بینی الهی و عرفان اسلامی شناساندیم که در رواندرمانی با آنها سر و کار داریم در هر یک از شیوه‌های یاد شده ناگزیریم آنها را بکار گیریم. در اینجا برای تاکید بیشتر برخی از آنها را یادآوری می‌کنیم:

- **تعهد^۲:** یقین به اصول و عمل به احکام و عبادات آئین الهی اسلام است.

- **تخصص^۳:** آگاهی به نظامهای علوم و فنون در رابطه با نیازهای جامعه الهی و داشتن مهارت برای برآوردن آنهاست.

- **متعهد^۴:** انسانی است که رفتار او در ارتباط با اصول آئین الهی انسجام و تعادل یافته، شکل پیدا کرده و جهت‌دار باشد.

- **متخصص^۵:** انسانی است که رفتار او در ارتباط با نیازهای جامعه الهی تعادل و انسجام یافته معنی و شکل پیدا کرده و جهت‌دار شده است.

- **دانش^۶:** مجموعه شناخت‌هائی است^۷ که از جلوه‌های یک یا چند هستی و ارتباط آنها با یکدیگر حاصل شده است^۸ و جوابگوی مسائل و نیازهای جامعه الهی است.

- **موضوع^۹:** هستی‌ایست که در جهان بینی الهی مسأله یا نیازی از جامعه الهی را می‌نماید.

- **فن^{۱۰}:** مجموعه مهارت‌هائی است^{۱۱} که برای حل مسأله و یا رفع نیازی از جامعه الهی لازم است.

^۱ تعبیرهای معادی شدن عدالتی شدن، نبوتی شدن، امامتی شده را به قیاس آورده‌ایم

^۲ Engagement

^۳ Specialite

^۴ Engage

^۵ Specialiste

^۶ Science

^۷ Connaissances

^۸ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا (سوره حجرات آیه ۱۴)

^۹ Subject

^{۱۰} Technique

^{۱۱} Habitude

- روان^۱: همان فطرت الهی است که درگیر تن شده است. اگر به انسان از سوی خدا و فطرت بنگریم او را روان می‌بینیم.

- روح^۲: برای روح تنها می‌توان گفت که الهیت فطرت = "روان" است^۳

- نفس^۴: نفس با همی تن و روان است. فطرت الهی است که یا تن یکی و همان شده است^۵.

- حیات یا جان^۶: همان "روان" است که درگیر هستی‌های جهان شده است.

- حیات دنیا: "نفس" است که درگیر جهان هستی‌ها می‌شود^۷.

- سالم و ناسالم^۸: فطرت (روان) و فرآیندهای آن وقتی در تعهد الهی باشد و بر پایه ویژگی‌های آئین الهی انسجام، تعادل، شکل، معنی و جهت یافته باشد سالم (هنجار = عادی) هستند و اگر نه، ناسالم است. در فطرت = روان ناسالم، آگاهی و آفرینندگی در ظلمت مخلوقیت و با آفریده‌های انسانی درگیر می‌شود.
من ۹: نفس از آن جهت که آگاهی است "من" است.

نفس مطمئنه: با همی تن و روان اگر از تعادل، انسجام، معنی، شکل و جهت برخوردار باشد نفس مطمئنه است در این حال آدمی از سلامت درون و برون برخوردار است و شایستگی وصول الی الحق و فنا در خدا را دارد^۹.

یادآوری:

دعا، نماز و عرفان در همراهی با هم، انفرادی، گروهی و اجتماعی از شیوه‌های پیش‌گیری و آرامش‌بخشی و درمانی است. از آنجا که با انقلاب اسلامی و رهبری امام بزرگوار اسلام ناب

¹ Psyche

² Sprit

³ وَ يَسْتَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (سوره اسرا آیه ۸۸)

⁴ Moi - Corporel (Self)

⁵ كُلِّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ (سوره عنکبوت آیه ۵۸)

⁶ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ كُنْتُمْ آمَوَاتًا فَاحْيَاكُمْ ثُمَّ يَعْمِتُكُمْ ثُمَّ يَحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (سوره بقره آیه ۲۷)

⁷ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَالِكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتُمْ قُلْتُمْ يَا لَيْسَ لَنَا بِالدُّنْيَا شَيْءٌ وَالْآخِرَةُ أَهْلٌ عَلَيْنَا وَمَا لَنَا بِهَا شَيْءٌ وَكُنْتُمْ تُخَالِفُونَ بِأَنفُسِكُمْ مَا لَكُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا لَكُمْ بِالْآخِرَةِ فَسَاءَ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ (سوره التوبه آیه ۳۸)

⁸ Anormal, Normal

⁹ Moi

¹⁰ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكَ

تجدید حیات پیدا کرده است. گفتگو از آنها را به کتاب دوم می‌گذاریم که از نوزادان و فرزندان روان‌درمانی در روزگار ما سخن می‌گویم.

برگ درخواست اشتراک

نام..... نام خانوادگی.....
 سن..... شغل..... تحصیلات.....
 نشانی دقیق.....
 تلفن.....

شماره‌های درخواستی:

شماره ۱۱ و ۱۲ (بهار ۷۸) شماره ۱۳ و ۱۴ (پائیز ۷۸)
 شماره ۱۵ و ۱۶ (بهار ۷۹) شماره ۱۷ و ۱۸ (پاییز ۷۹)

- بهاء دو شماره در یک جلد ۷۵۰ تومان - اشتراک سالانه با هزینه پست ۱۵۰۰ تومان (۴ شماره در دوجلد) - اشتراک سالانه به هزینه پست برای دانشجویان ۱۳۰۰ تومان (۴ شماره در دوجلد).
- مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۷۴۳۰/۵۱ بانک سپه شعبه ۱۳۳۸ احمدآباد مشهد واریز فرمائید.
- برگ درخواست و رسید بانکی را به آدرس مشهد صندوق پستی ۱۷۱۶ - ۹۱۷۷۵ ارسال نمایید.
- دانشجویان یک برگ تصویر کارت یا شماره دانشجویی را ارسال نمایند

مراکز پخش و فروش فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی

- اراک - خیابان امام خمینی، مجتمع فرهنگی امام خمینی، ۳۲۶۷۱۲
- اصفهان - دروازه شیراز، کتابفروشی جهاد دانشگاهی. تلفن ۶۸۰۰۶۲
- اهواز - خیابان حافظ، بین مجاهدین و سلمان فارسی، نمایشگاه کتاب رشد. تلفن: ۲۱۷۰۰۰
- بهبهان - فلکه شهید محسنی، کوی رضوی، انتشارات تربیت ۲۲۰۴۱
- بیرجند - میدان ابوذر، خیابان طالقانی، کتابفروشی جهاد دانشگاهی. تلفن: ۲۵۰۷۵
- تبریز - خیابان امام، سه راه طالقانی، کتابفروشی شمس. تلفن: ۵۵۵۷۵۶۵
- تبریز - خیابان امام خمینی، روبروی ارک، کتابفروشی سعادت. تلفن: ۵۵۵۲۴۴۴
- تهران - خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، انتشارات رشد. تلفن: ۶۴۴۸۳۸۶
- رشت - خیابان ملت، کتابفروشی جهاد دانشگاهی، تلفن: ۳۷۸۸۸۰
- زاهدان - خیابان آزادی، جنب مسجد جامع، کتابسرای سازمان تبلیغات اسلامی. تلفن: ۳۰۱۸۶
- زنجان - بازار قیصریه، کتابفروشی زعفری، تلفن: ۲۴۳۰۰
- سنندج - خیابان امام (شاپور سابق) کتابفروشی غریقی. تلفن: ۲۲۹۰۴
- کرمانشاه - خیابان مدرس، چهارراه اجاق، پشت پاساژ سعید، کتابفروشی دانشمند. تلفن: ۳۸۷۷۲
- مشهد - بلوار ملک‌آباد - نستر ۱، پلاک ۳۸، تلفن: ۸۰۲۴۴۴، ۷۱۲۵۱۰
- نیشابور - خیابان فردوسی شمالی، نشر دانش. تلفن: ۲۱۷۷۰

*** شماره ۲۰۷ :**
 هیپنوتیزم دانش، هنر و فلسفه
 هیپنوتیزم و درمان روان‌شناختی
 هیپنوتیزم درمانی در دندانپزشکی
 هیپنوتیزم و زایمان
 نوری‌های اجتماعی و هیپنوتیزم
 هیپنوتیزم در روان‌پزشکی

*** شماره ۴۰۳ :**
 هیپنوتیزم و علوم عصبی
 هیپنوتیزم و حافظه
 هیپنوتیزم و میگرن
 امواج ارگانیک
 التیام با دست
 روان‌شناسان بالینی و امتیاز تجویز دارو

*** شماره ۶۰۵ :**
 یک شبه ره صد ساله
 آواسازی مدیران
 آموزش حرفه‌ای و روان‌درمانی
 هیپنوتیزم و شب آدراری
 هیپنوتیزم و فراموشی رولانزا

شماره ۸۰۷ :
 ناسازشاسی
 مذہب و روان‌درمانی
 زبان پریشی و درمان آن
 تازه‌های هیپنوتیزم درمانی
 القاء و تلقین در هیپنوتیزم
 شمار ۱۰۹ :

فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی هیپنوتیزم

مقالات نشریه در زمینه روان‌درمانی، هیپنوتیزم و فراروانشناسی به صورت مجلات پژوهشی، شیوه‌های آموزشی و معرفی نظریه‌ها و مکاتب است.

تسنانی: مشهد، صندوق پستی ۹۱۷۷۵ / ۱۷۱۶ - تلفن: ۸۰۲۴۴۴ ، دوزگان: ۷۱۲۵۱۰

آدرس نشریه روی شبکه اینترنت: WWW.Iranhypnosis.com

شماره استاندارد بین‌المللی نشریات ادواری (ISSN): 1028 - 4117 Email: Iranhypnosis@yahoo.com

این فصلنامه هر ششماه یکبار در اول بهار و پاییز هر سال منتشر می‌شود. بهاء دو شماره در یک جلد، ۷۵۰ تومان. اشتراک سالانه یا هزینه پست ۱۵۰۰ تومان (چهار شماره در دو جلد) - برای دانشجویان ۱۲۰۰ تومان. مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۱ / ۴۴۳۰۰ بانک سپه، شعبه ۱۲۳۸ احمدآباد مشهد - بنام فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی واریز فرمائید و برگ درخواست اشتراک و رسید بانکی را به آدرس: مشهد - صندوق پستی ۹۱۷۷۵ / ۱۷۱۶ ارسال نمائید. دانشجویان شماره کارت دانشجویی و نام دانشگاه را بنویسند. (در برگ درخواست اشتراک نام و نام خانوادگی، آدرس کامل، تلفن و شماره‌های درخواستی را قید فرمائید).

مراکز بخش و فروش فصلنامه تازه‌های روان‌درمانی

اراک: خیابان اما خمینی، مجتمع فرهنگی هنری امام خمینی، ۲۳۶۷۱۹ اصله‌بان - دروازه شیراز، کتابفروشی جهاد دانشگاهی. تلفن: ۶۸۰۰۶۲ **اهواز** - خیابان حافظ، بین مجاهدین و سلمان فارسی، ماینگاد کتاب رشد. تلفن: ۲۱۷۰۰۰ **بهبهان**: فلکه شهید محسنی، کوی رضوی، انتشارات تربیت ۲۲۰۴۱ **بهرجند** - میدان اسودرز، خیابان طالقانی، کتابفروشی جهاد دانشگاهی. تلفن: ۲۵۰۷۵ **تبریز** - خیابان امام، سه راه طالقانی، کتابفروشی شمس. تلفن: ۵۵۵۷۵۶۵ **تبریز** - خیابان امام خمینی، روبروی ارک کتابفروشی سعادت. تلفن: ۵۵۵۲۹۴۴ **تهران** - خیابان انقلاب، مقابل دانشگاه تهران، انتشارات رشد. تلفن: ۶۴۹۸۳۸۶ **رشت** - خیابان ملت، کتابفروشی جهاد دانشگاهی. تلفن: ۳۷۸۸۰ **زاهدان** - خیابان آزادی، جنب مسجد جامع، کتابسرای سازمان تبلیغات اسلامی. تلفن: ۳۰۱۸۶ **زنجان** - بازار فیضیه، کتابفروشی زعفری. تلفن: ۲۴۳۰۰ **سنندج** - خیابان امام (شاپور سابق) کتابفروشی غربی. تلفن: ۲۳۹۰۴ **شیراز** - خیابان ملاصدرا، رو به روی خیابان اردبیل‌شهر، کتابفروشی محمدی. تلفن: ۶۷۳۳۸ **قزوین** - چهارراه نادری جنوبی، جنب هتل وحدت، کتابفروشی علامه. تلفن: ۷۴۹۶۵ **قم** - خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۱۹۴، کتابفروشی دانشگاهی. تلفن: ۷۴۴۶۹۷ **کرمان** - سه راه احمدی، کتابفروشی جهاد دانشگاهی. تلفن: ۲۳۲۰۲۴ **کرمانشاه** - خیابان مدرس، چهارراه اجاق، پست پاساژ سعید، کتابفروشی دانشمند. تلفن: ۲۸۷۷۷ **مشهد** - خیابان ملک آباد، نسترن یک پلاک ۲۸. تلفن: ۸۰۲۴۴۴ **نیشابور** - خیابان فردوسی شمالی، نشر دانش. تلفن: ۲۱۷۷۰ **قوچان** - خیابان امام خمینی، کتابفروشی سروش.

* این شماره‌ها به پایان رسیده است

مشکلات و روان‌درمانی جنسی
 دوگانگی جنسی (آندروژنی)
 روان‌درمانی حمایتی
 مکان‌های سکوت، نه و مشاوره
 خودهیپنوتیزم و نظریه‌ها
 مکان‌های درگیری
 شمار ۱۷۱ :

انجمن هیپنوتیزم، احبسا، کوی در جهان دانش
 پزشکان و هیپنوتیزم
 مشکلات جنسی
 هیپنوتیزم و دوما
 هروسک درمانی
 تصادفات شناسی
 مکان‌های دفاع
 شمار ۱۷۱۳ :

بزرگداشت دکتر علی شریعتداری
 آسیب‌شناسی و توانبخشی دانش شناخت‌درمانی
 استردگی پس از زایمان
 نظریه دیسکی
 رضامندی زناشویی
 مسائل روش‌شناختی در هیپنوتیزم
 شمار ۱۶۱۵ :

ویژه‌نامه
سرگذشت روان‌درمانی
 زادگاهها، زایش و گسترش
 سحر و جادوگری، افسانه‌ها و عقاید کهن
 تمدنهای مصر، یهود، زرتشت، هندوکسیم، بودا و اسلام